

خدایا چرا من اینقدر زودباور و ساده ام؟

اولین علت زود باوری این است که در زمان حال نیستیم، پس باید در زمان حال و متمرکز باشیم تا در تله هایی که بر سر راهمان است، نیفتیم. نباید بر اساس حدسیات به سخن دیگران گوش داد؛ مثلاً اگر کسی گفت «ف» نباید بگوییم منظور فرحزاد بوده است. باید سخن دیگران را بشنویم و در گوش دادن دقیق باشیم.

اولین علت زود باوری این است که در زمان حال نیستیم، پس باید در زمان حال و متمرکز باشیم تا در تله هایی که بر سر راهمان است، نیفتیم. نباید بر اساس حدسیات به سخن دیگران گوش داد؛ مثلاً اگر کسی گفت «ف»؛ باید بگوییم منظور فرحزاد بوده است. باید سخن دیگران را بشنویم و در گوش دادن دقیق باشیم. خدایا چرا من اینقدر ساده لوح و زودباورم؟ به گزارش «تابناک» با تو «؛ ساده لوحی حماقت نیست و حماقت نادانی نیست. آن گاه که از چیزی سر در نمی آوریم، پیش می آید که تصورات خطایی درباره آن داشته باشیم. ساده لوحی گاه از یک معصومیت اخلاقی برمی خیزد. انسان های نیک اخلاق معمولاً زودباور و خوش قلب اند که در بسیاری از مواقع این خصلت خوب کار دست شان می دهد.

افراد سطحی نگر، بسیار زود باورند و به راحتی می توان فضای ذهنی شان را اشغال کرد و زمام اندیشه شان را به دست گرفت. این افراد به دلیل اینکه به معضلات هر مسئله توجه ندارند و از تجربه و تحلیل عمیق و همه جانبه مسائل زندگی عاجزند، به سرعت و به سهولت به «یقین» و اطمینان می رسند.

به طور اصولی شایسته است که انسان ها نسبت به یکدیگر با اعتماد رفتار کنند ولی وجود درجه ای از احتیاط نیز در رفتارهای اجتماعی ضرورت دارد زیرا ممکن است گفتار دیگران چه به صورت ارادی و چه به صورت غیرارادی گاهی درست نباشد. اما پذیرش بی چون و چرای گفته دیگران نیز کار صحیحی نیست البته در دوران کودکی، کودک گفته های افراد بزرگ تر را بدون چون و چرا به عنوان واقعیت قبول می کند که در نتیجه اهمیت دارد بزرگ ترها جز با راستگویی با آنان رفتار نکنند، اگر پذیرش بی قید و شرط گفته دیگران در دوران جوانی و بزرگسالی هم تداوم یابد یا ناشی از مشکلات هوشی و کارکرد پایین تر از طبیعی ذهنی یا ناشی از ساده دلی فرد است که به طور احتمالی در محیط ساده و صمیمی بار آمده است و از رفتار جوامع پیچیده شهری که گاهی نیز منطبق با درستکاری و صداقت کامل نیست بی خبر است.

افراد در تعامل با دیگران نیاز به ارزیابی گفته های یکدیگر دارند و زودباوری در افراد تحت تاثیر عوامل گوناگونی چون سن به خصوص در کودکان، نارسایی های دستگاه عصبی، نداشتن تجربه کافی در ارتباط با دیگران، میزان هوش افراد در تشخیص درستی یا نادرستی آنچه با آن روبه رو هستند، شکل می گیرد.

کمبود میزان مطالعه، کاهش سطح آگاهی ها درباره موضوعات گوناگون، محدودیت های فرهنگی و اجتماعی در محیط زندگی و برقراری ارتباطی محصور با دیگران و نداشتن قدرت نقادی گفتار اطرافیان زمینه های بروز زودباوری را گسترش می دهد.

افراد تلقین پذیر و زودباور عموماً با مشکلات عدیده ای درخصوص معاملات بین فردی، مسائل مادی، ازدواج و شغل مواجه هستند لذا به سادگی تحت تاثیر امواج اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته و به مسیری خلاف احوالات زندگی خود کشیده می شوند. افراد زودباور با ارتقای سطح تجربه، مطالعه و مشورت با افراد صاحب نظر و خیرخواه می توانند خود را از وجود دام های دروغین نجات دهند.

دلایل زودباوری

اولین دلیل زود باوری این است که هنگام رسیدن اطلاعات جدید هرچه را که دریافت می کنیم در بست قبول یا رد می کنیم زیرا یا در زمان حال نیستیم یا درگیر گذشته ایم یا درگیر گفت وگوهای درونی خود هستیم. به این دلیل اگر بخشی از واقعیت یا بخشی از خبری که به ما می رسد مطابق با واقعیت باشد ما این بخش را به کل اطلاعات و داده هایمان تعمیم می دهیم و کل اطلاعات و گفتار را می پذیریم بدون اینکه به خود زحمت تجسس، تحقیق و کنکاش بدهیم که موضوع چه هست. به همین دلیل زود باوری باعث می شود ما از دنیای واقعی دور شویم.

ما درستی یک حرف یا اطلاعات را بر چه اساس می‌سنجیم؟

غیر از این نیست که آن اطلاعات و گفتار دریافت شده را با باورهای خودمان که در مغزمان درستی آنها به تایید ما رسیده است مقایسه می‌کنیم و اگر تطبیق داشته باشد می‌گوییم درست یا نادرست است. حال اگر اطلاعات جدید یا بخشی از آن غلط بود یا غلو شده بود یا بخشی از حقیقت در آن پنهان شده باشد، اگر این اطلاعات جدید را درست بپذیریم اتفاقی که می‌افتد این است که آن قضاوتی که در آن لحظه می‌کنیم و تصمیمی که بر اساس آن قضاوت می‌گیریم می‌تواند در سرنوشت ما و اطرافیان مان تاثیر داشته باشد. تصمیم‌گیری ما می‌تواند اشتباه باشد و در نتیجه هر عملی هم که بر اساس آن انجام می‌دهیم، اشتباه خواهد بود.

کمتر جمع و گروهی را می‌یابید که شایعه بین آنها جایی نداشته باشد. شایعه را به راحتی می‌توان در شوخی‌های دوستانه جوانان، درد دل‌های میانسالان و حرف‌های پیرمردان و پیرزنان یافت. مردم بدون هیچ شناختی و تنها با تکیه بر شنیدارهای خود، فردی را به اوج رسانده یا به قهقرا می‌فرستند، روابط خانوادگی را بر هم زده و زوج‌های جوان را از هم جدا می‌کنند، از شخصی یا گروهی بی‌دلیل تمجید کرده و به شخص یا گروهی دیگر ناسزا می‌گویند.

حال که به اینجا می‌رسیم سؤال می‌شود که چه باید کرد که زودباور نباشیم؟

اولین علت زود باوری این است که در زمان حال نیستیم، پس باید در زمان حال و متمرکز باشیم تا در تله‌هایی که بر سر راهمان است، نیفتیم. نباید بر اساس حدسیات به سخن دیگران گوش داد؛ مثلا اگر کسی گفت «فراوان»؛ نباید بگوییم منظورش فرزند بوده است. باید سخن دیگران را بشنویم و در گوش دادن دقیق باشیم.

در شناخت از افراد یا گوینده نباید دچار تزلزل شویم. نباید ذهنیت‌های خودمان را وارد دریافت خبر کنیم. مثلا نباید اگر فردی که با او مخالف هستیم، سخنی گفت زود آن را رد کنیم، باید به خود سخن توجه کنیم نه به گوینده آن.

اعتماد زیاد از حد باعث زودباوری و بی‌اعتمادی موجب دیرباوری می‌شود. در دریافت خبر نباید زیاد اعتماد کرد و نه بی‌اعتماد بود چون در هر دو صورت خود را از شنیدن واقعیت‌ها محروم می‌کنیم.

احساسات در دیرباوری و زودباوری ما نقش بسزایی دارد و نباید آنها را وارد منطق خود کنیم. آیا هر چیزی که در هر جایی می‌شنویم را باید باور کنیم؟! چرا بدون تحقیق، وهم‌ها را باور می‌کنیم؟! چرا بدون بصیرت و پرسش فریب‌دهنده‌ای فریبکار را می‌خوریم؟! چرا با باورهای غلط، عقل و انسانیت خود را گاهی زیر سؤال می‌بریم؟!

توصیه‌های ما:

اهل تحقیق باشید، بدون تحقیق تصمیم‌نگیرید. تحقیق کردن توسط بزرگان دینی و غیردینی بسیار مورد تاکید قرار گرفته است.

در کتاب‌های معتبر و افراد شاخص دنبال جواب‌های خود باشید.

اگر ۲۰ نفر هم گواه بر یک امر دادند دلیل بر درستی آن نیست. عقل خود و آموزه‌های دینی درست را سرلوحه کار و عمل خود قرار دهید.

کمی متفاوت با بقیه باشید و فریب‌دوستان و فامیل‌های منحرف را نخورید.

چشم‌های تان را بشوید و طوری دیگر بنگرید.

اگر همه در چاه جهالت سقوط می کنند دلیل نمی شود شما نیز با آنها به ژرفای نادانی پرت شوید.
سعی کنید ساده لوح و زودباور نباشید.